

۱۱۰۰۷۸۲
۱۳

بنام خدا

حضور حضرت آیت الله سید محمد طالقانی

اعتقادی که به حقانیت اسلام راستین و ایمانی که به اصالت و عظمت انقلاب اسلامی ملت خویش دارم، و احساس مسئولیتی که در این برهه از زمان هرایرانی آگاه و متعهدی را وادار به نظارت و شرکت در امر مهم تدوین قانون اساسی میکند، مرا بر آن میدارد که نظریات اصلاحی خود را در مورد پیش نویس قانون اساسی بعرض برسانم بامید آنکه مورد توجه نمایندگان محترم مجلس بررسی نهائی قانون اساسی قرار گیرد و نقائص پیش نویس قبیل از تصویب برطرف شود و چنان قانون اساسی به تصویب برسد که بها نگر خواسته ها رافع نیاز های مردم مستضعف این مرز و بوم باشد، بامید آنکه در عمل نیز باعث شناساندن اسلام اصیل و انقلابی و الگویی برای سایر مردم جهان گردد.

بمقیده من حداقل اصلاحات و تغییراتی که میباید در پیش نویس قانون اساسی قبل از تصویب آن صورت پذیرد بشرح زیر است:

- ۱- مفاد اصل ۱۰ پیش نویس آنچنانکه باید در نوع خود انقلابی نیست و در ریشه کن کردن بیسوادی تأکیدی ندارد و میباید بنحوی اصلاح شود که ضمن مبارزه بابتی سوادی، با ایجاد و توسعه دانشگاهها و کم کردن ارزش مدرک تحصیلی و اهمیت دادن به کارائی افراد و با فراهم نمودن امکانات و با حذف کنکور، مردم تشویق شوند که به دنبال علاقه و استعداد خویش برای پی بردن به مجهولات و احویانا " برای اینکه اختراع و یا اکتشافی بنمایند

مدارج عالیه‌رطسی کنند و عقب ماندگی و کمبود کشور از لحاظ کادر متخصص در رشته‌های مختلف جبران شود و ایران از استخدام متخصصین خارجی بی‌نیاز گردد .
 لذا برای اینکه قانون اساسی در موارد فوق‌الذکر حداقل راه گشا باشد میبایست
 اصل ۱۰ بشرح زیر اصلاح شود : اصل ۱۰ - آموزش و پرورش لا اقل تا حدود
 تعلیمات ابتدائی ، مجانی و اجباریست ، و جمهوری اسلامی ایران باید امکانات
 آموزش و پرورش را تا سطوح عالی برای همه مردم کشور فراهم کند تا هرکس بتواند
 فراخور استعدادش از آموزش و پرورش ورشد و شکوفائی برخوردار گردد و محدودیت
 امکانات سد راه پیشرفت او نشود .

۲- اصل ۱۲ پیش‌نویس دارای سه اشکال است یکی از لحاظ انشاء عبارت
 دیگر اینکه دختران را در مورد تعلیم و تربیت نسبت به پسران مرجح دانسته است
 در حالیکه در قانون اساسی جای چنین تاء کیدی نیست ، سوم آنکه با تاء کید
 بر اینکه مادر باید با فراغت بال به وظیفه پرارج مادری بپردازد و از لحاظ مادی و
 معنوی تاء مین باشد ، بطور ناخود آگاه انتظار و توقع زنان را از یک طرف و انتظار
 بعضی شوهران را از لحاظ دیگر زیاد میکند و باعث افزایش اختلافات خانوادگی
 میشود ، و بهتر است قسمتی از مفاد این اصل بصورت ماده ای در قانون مدنی و
 یا در قانون حمایت خانواده در کنار سایر مواد مربوط به خانواده قید گردد ، و اصل
 ۱۲ بشرح زیر اصلاح شود : اصل ۱۲ - تربیت فرزندان باید روماد ر و در
 دوران کودکی بیشتر با مادر است و دولت نیز میباید با ایجاد مدارس و آموزشگاهها
 و دانشگاهها و مراکز درمانی و بهداشتی و ورزشگاهها و پارکها ، امکانات آموزش و پرورش
 عمومی و اجباری و بهداشت همگانی و ورزش را در سراسر کشور فراهم آورد تا وسائل

رشد متعادل بدنی و روانی و فرهنگی کودکان و نوجوانان بدون هرگونه تبعیض در کلیه نقاط ایران مهیا باشد.

۳- برای رفع بعضی سو و تفاهات و کسب ورتها بهتر است اصول

۱۴ و ۱۳ بشرح زیر اصلاح شود: اصل ۱۳- دین رسمی ایران اسلام است و مذهب جعفری که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است با مذاهب دیگر اعم از حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، مذاهب رسمی اسلامی میباشند و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق این مذاهب خواهند بود ولی در احوال شخصی و در تعلیم و تربیت دینی هر مسلمان در هر نقطه از ایران برطبق مذهب اسلامی خود عمل میکند. اصل ۱۴- زرتشتیان، کلی میان و مسیحیان میتوانند مانند مسلمانها در احوال شخصی و تعلیمات و مراسم دینی برطبق آئین خود، عمل کنند.

۴- در اصل ۲۵ میباید نشر اسرار نظامی به زیان کشور نیز ممنوع

شود، یعنی اجازه داده نشود که اسرار مهم نظامی و امنیتی کشور توسط مطبوعات منتشر شود و زیان کشور در اختیار بیگانگان قرار گیرد و همچنین در اصل مذکور باید لغت اتهام به تهمت تغییر یابد تا مطبوعات حق داشته باشند در صورتیکه دلائل کافی برای اثبات اتهام در اختیار داشتند بتوانند اعمال و جرائم ارتكابی افراد را بازگو کنند و با افشاگری، جامعه را آگاه نگهداشته و مانعی برای خیانت و دزدی و سوء استفاده مقامات مملکتی و اشخاص باشند، لذا باید اصل ۲۵ بشرح زیر اصلاح شود: اصل ۲۵ مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند مگر در نشر مطالب مخالف عفت

عمومی یا توهین به شعائر دینی و یا نشر اسرار نظامی (به زیان کشور)
 و تهمت و افترا و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص یا نشر اکاذیب، جرائم
 مطبوعاتی و کیفیت مجازات و نحوه رسیدگی به آنها را قانون معین میکند .

۵ - با توجه باینکه اسلام دین کار و کوشش است و دین بیگانه پرور
 نیست و به کار و فعالیت سا زنده اهمیت میدهد . لذا برای تاء کیدایین
 موضوع بسیار مهم و برای نفی مفت خواری بهتر است اصل ۲۸ بشرح زیر
 تکمیل شود : اصل ۲۸ - در عین حال که انجام کار مفید و سازنده برای
 هر فرد به نسبت توانائی او ضروریست ، هر کس حق دارد شغلی را که بدان
 مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی نیست برگزیند .

۶ - اصل ۲۹ پیش نویس نیز در مورد استفاده از امکانات درمانی
 نمیتواند جوابگوی احتیاجات ملت باشد و با توجه به تجربه ایکه از بیمه درمان
 در مملکت خویش داریم میباید قبول کرد که بی عدالتیهای موجود در مورد استفاده
 از امکانات درمانی و سنگینی هزینه معالجه را بر طرف نخواهد کرد و بهتر است
 بشرح زیر اصلاح شود : اصل ۲۹ - کلیه افراد در تمام نقاط کشور از لحاظ
 استفاده از امکانات درمانی دارای حقوق مساوی هستند و فقر مالی نباید
 مانع برخورداری از این حق شود ، همچنین حق استفاده از بیمه بیگاری ،
 پیری و از کار افتادگی ، حقی است همگانی و دولت مکلف است بر طبق قوانین
 با استفاده از درآمدهای ملی این حقوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند .

۷ - اصل ۳۶ پیش نویس با قید (اجبار اشخاص به شهادت

در هیچ صورت مجاز نیست) ، مانع از آنست که اگر لازم باشد قانونی وضع شود

که در موردی که فرضاً "کسی شاهد جنایتی بوده مکلف و مجبور باشد به نفع شخص بی گناه و یا برای روشن شدن حقیقت شهادت بدهد و این برخلاف مصالح جامعه می باشد مخصوصاً "که اسلام هم نمیخواهد که وقتی به کسی ظمی میشود افراد بی تفاوت از کنار او بگذرند و احیاناً "با ندادن شهادت و کتمان حقیقت ظالم را تائید و حق مظلوم را ضایع کنند، پس بهتر است دست قانون گذار را نیندیم و اصل ۳۶ را بشرح زیر اصلاح نمائیم: اصل ۳۶
 شکجه بدنی یا روانی جهت گرفتن اقرار و یا اداء شهادت و یا اتیان سوگند ممنوع است. اقرار یا شهادت یا سوگندی که در چنین شرایطی گرفته شود فاقد ارزش و اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین میکند.

۸ - تبعیضی که در اصل ۳۷ پیش نویس قائل شده و بطور ضمنی احترام به حیثیت متهمین و مجرمینی که به حکم قانون بازداشت، زندانی یا تبعید شده اند را به سایر افراد جامعه ترجیح داده است صحیح نیست و احتمالاً "در مواردی نیز تولید اشکال خواهد کرد. لذا اصل ۳۷ باید بشرح زیر اصلاح شود: اصل ۳۷ - لطمه به حرمت و حیثیت انسان ولو آنکه به حکم قانون بازداشت، زندانی، یا تبعید شده باشد ممنوع است.

۹ - اصل ۳۹ پیش نویس و این عبارت که (هیچ حقی را نمیتوان بر خلاف مبانی و هدفهائی که موجب آن شده مورد استفاده قرار داد) مصادیقی چندان روشن و مفهوم ندارد و ممکن است باعث تفسیرها و توجیهاات ضد و نقیض شود و بهتر است این اصل حذف شود و چون در پیش نویس قانون اساسی به مسئله مهم و این خواسته منطقی انقلابیون مسلمان دایر به برقراری عدالت

اقتصادی در جامعه توجه چندانی نشده است، لذا بعقیده من میابید اصل ۳۹ بنحوی تغییر یابد که راه گشا باشد تا بیعدالتی که در درآمد و مزد و حقوق افراد جامعه بشدت وجود دارد حداقل بصورت گام بگام برطرف شود و با توجه بمقدار و ارزش کار هر کس نسبت عادلانه ای بین مزد و حقوق و درآمد افراد بوجود آید، برای تحقق این منظور معتقدم اصل ۳۹ بشرح زیر تغییر یابد: اصل ۳۹ - در جمهوری اسلامی باید با توجه به مقدار و ارزش کار هر کس نسبت عادلانه ای بین مزد و حقوق و درآمد افراد بوجود آید ترتیب اجرای این اصل را قانون معین میکند.

۱- این عبارت که (هیچ ملکی را نمیتوان به عنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن) که بعنوان اصل ۴۱ در پیش نویس آورده شده است جایش در قانون اساسی نیست و وجود این اصل در قانون اساسی مضرات زیادی دارد من جمله مانعی است در راه اقدامات آبادانی و رفاه سی دولت، و در صورتیکه لازم باشد میتواند مفاد این اصل را با عبارت (هیچ ملکی را نمیتوان بعنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب هیئت دولت و پرداخت قیمت عادلانه آن) در قوانین عادی بصورت ماده ای قید نمود تا هم حق از کسی ضایع نشود و هم مانعی سر راه اقدامات عمرانی کشور نباشد. بنابراین و با توجه به مشکل چندین ساله مسکن، و برای حل قطعی و همیشگی مشکل مسکن بهتر است اصل ۴۱ بشرح زیر تغییر یابد: اصل ۴۱ - هر خانواده ایرانی حقیق دارد در ایران صاحب خانه ای برای سکونت خویش باشد و دولت باید ترتیبی

بدهد که بکلیه خانواده‌های ایرانی که فاقد مسکن شخصی میباشند حداقل قطعه زمینی برای ساختمان مسکن واگذار شود.

۱۱- اصل ۵۴ پیش‌نویس که میگوید (تبدیل اراضی قابل کشت به غیر کشاورزی ممنوعست مگر به حکم قانون) یکی از بدترین و مزاحمت‌ترین اصول پیش‌نویس قانون اساسی است، زیرا با آنکه انشاء کنندگان پیش‌نویس میخواستند که کشاورزی کشور را ترویج و احیاء کنند و حسن نیست داشته‌اند ولی توجه نکرده‌اند که بیشتر اراضی کشور را مخصوصاً "اراضی داخل و خارج روستاها و شهرها قابل کشت هستند و کمتر زمینی هست که نتوان آنرا برای کشت آماده کرد اراضی که میباید روی آنها مسکن و سایر تاسیسات را ایجاد کرد، راه کشید و خیابان درست کرد، پارک و ورزشگاه و بیمارستان و مسجد و غیره ساخت قابل کشاورزی هستند، و در صورت تصویب این اصل در هر مورد و برای هر اقدام جزئی میباید چند سال دوندگی کرد و زمین را معطل گذاشت تا مجلس قانونی بگذراند که بشود اقدامی عمرانی روی قطعه زمینی انجام داد، با توجه به مشکلاتی که قانون توسعه کشاورزی در قطبهای کشاورزی مصوب ۱۳۵۴ و آئین نامه آن، برای تفکیک اراضی ایجاد کرد، مفاد این اصل حتی اگر در قانون عادی هم پیاده شود زیان بخش است چه رسد به آنکه در قانون اساسی مملکت آورده شود. بعقیده من برای ترویج و توسعه کشاورزی میباید اقداماتی اساسی نظیر مهار کردن آبهای بسیاری که هر ساله هدر میرود، و کانال کشی و انتقال آبهای اضافی رودخانه‌های کشور به مناطق مختلف و از این قبیل انجام داد و در عین حال سیاست و روش اداره

مملکت نیز باید مسیری را دنبال کند که موجبات خود کفائی کشور از لحاظ کشاورزی، بهداشت، صنعت و مایحتاج عمومی فراهم گردد، لذا برای اینکه این امر بصورت هدف و وظیفه برای دولتها و ملت ایران مشخص و موکد باشد و قوانین و تصویبنامه‌ها و نظامنامه‌هاییکه بتصویب میرسد و برنامه ریزیهاییکه میشود برخلاف هدف مذکور نباشد، بهتر است اصل ۴۵ را بشرح زیر تغییر دهیم: اصل ۴۵ - در جمهوری اسلامی باید اداره مملکت در مسیری باشد که موجبات خود کفائی کشور از لحاظ کشاورزی، بهداشت، صنعت و مایحتاج عمومی فراهم گردد.

۱۲ - در ذیل متن قسمنامه وکلای مجلس شورای ملی قید شد که

(جز به استقلال کشور و آزادی مردم نیندیشم) که چون ممکن نیست که کسی بتواند فقط به استقلال کشور و آزادی مردم فکر کند، و فکرش متوجه هیچ مسئله دیگری نشود، و از طرفی آنطور که در متن قسمنامه هم اشاره شده است وظیفه وکیل مجلس این نیست که فقط به استقلال سیاسی کشور و آزادی مردم توجه داشته باشد و در این مورد اندیشه کند بلکه خیلی مسائل از قبیل مسائل رفاهی، فرهنگی، اقتصادی و غیره هست که میباید در مجلس مطرح شود و قوانین گوناگونی باید به تصویب برسد. بنابراین قید جمله مذکور موضوع قسم را محدود میکند و چون انجام آن ممکن نیست باعث بی اعتباری سوگند میشود. لذا بهتر است بجای آن قید شود که (به استقلال و اعتلای کشور و آزادی و رفاه مردم متعهد باشم) و نتیجتاً متن سوگندنامه در اصل ۴۵ بشرح زیر اصلاح شود: (من امضاء کننده این

ورقه به خداوند متعال و قرآن کریم و شرف انسانی خود سوگند میخورم که
 نخبگان دست آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری
 اسلامی باشم و ودیعه ای را که ملت به ما سپرده است بسان امینی عادل
 پاسداری کنم، در انجام وظایف و کالت تقوی پیشه کنم و همواره با استقلال و
 اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت پای بند باشم از حریم قانون اساسی دفاع
 کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و بیان عقاید خویش به استقلال و اعلاای کشور
 و آزادی و رفاه مردم متعهد باشم).

۱۳ - برای آنکه مردم بدانند در مجلس شورای ملی چه چیزی به تصویب
 رسیده است تا در صورتیکه آن مصوبات را بر خلاف قانون اساسی و مصالح
 مملکت تشخیص دهند، قبل از آنکه رئیس جمهور در مهلت مقررده روز، قانون
 را توشیح کند نظر خود را ابراز دارند و رئیس جمهور میتواند از نظر صاحب نظران
 مطلع شود و در صورتیکه انتقادات را صحیح بداند از توشیح مصوبات
 مجلس خودداری و طبق مفاد اصول ۸۴ و ۸۵ عمل نماید و نیز برای آنکه
 شورای نگهبان و مقامات مذکور در اصل ۱۴۳ بموقع از تصویب قانون و مفاد آن
 مطلع شوند تا در مدت یک ماهی که پس از توشیح فرصت دارند بتوانند
 بوظیفه خویش عمل نمایند، لازم است عبارت (و در هر صورت مصوبات مجلس
 بلافاصله باید برای اطلاع ملت در اختیار وسائل ارتباط جمعی گذاشته
 شود) . در ذیل اصل ۵۳ اضافه شود و اصل ۵۳ باین نحو تکمیل شود :
 اصل ۵۳ - مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن
 در روزنامه رسمی منتشر شود . به تقاضای رئیس جمهور یا نخست وزیر یا یکی

ازوزراء یا رئیس مجلس یا ده نفر از نمایندگان ممکن است جلسه محرمانه با حضور همه نمایندگان یا با حضور عده خاص از آنها تشکیل شود. در صورت اخیر مصوبات این گروه خاص از نمایندگان وقتی معتبر است که به تصویب مجلس برسد. و در هر صورت مصوبات مجلس بلافاصله باید برای اطلاع ملت در اختیار وسائل ارتباط جمعی گذاشته شود.

۴- چون در اصل ۶۰ پیش نویس، دادن امتیاز (تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن) خیلی سخت گیری نشده است و با توجه به مضراتی که انحصاری بودن امور مذکور برای جامعه دارد، بهتر است اصل ۶۰ بشرح زیر اصلاح شود: اصل ۶۰ - دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشتا و ورزی و معادن ممنوع است، مگر در مواقع ضروری که منافع کشور و ملت اقتضاء کند آنها را با تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس شورای ملی.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۵- اصل ۷۴ پیش نویس، به شوراهای منطقه ای حق نظارت در اداره امور را داده است، در حالیکه لازم است قانون اساسی صریحا "حق مشارکت شوراهای را در اداره امور بپذیرد و دست قانون گذار عادی را باز بگذارد تا با توجه به مصالح ملت و کشور و با توجه به توانائی و کارائی مردم موجبات مشارکت شوراهای را در اداره امور فراهم کند تا از این لحاظ نیز اشکالاتی ایجاد نگردد.

لذا با توجه به جهات مختلف بهتر است اصل ۷۴ بشرح زیر اصلاح شود:

اصل ۷۴ - برای تأمین رفاه عمومی و پیشبرد امور بهداشتی و آموزشی و فرهنگی

و اقتصادی، اداره امور هر روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان با نظارت و مشارکت شورایی بنام شورای ده یا بخش یا شهر یا شهرستان یا استان که اعضای آنرا مردم همان محل انتخاب میکنند صورت می‌گیرد. حدود اختیارات و عمل و نحوه نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون تعیین میکند.

۱۶- با توجه باینکه نوع حکومت در ایران، جمهوری اسلامی است، لذا میباید در راس حکومت شخص موجهی قرار بگیرد که بتواند قوانین مترقی اسلام را با اعتقاد و خوبی اجرا نماید از طرفی با توجه به انقلاب عظیم اسلامی که در ایران صورت گرفته است، قانون اساسی ما میتواند الگویی برای سایر ملتهای مسلمان باشد بنا بر مراتب باید برای کاندیدای ریاست جمهوری صفاتی قید گردد که ضمن آنکه احتمال خیانت و سوء استفاده کردن صاحب چنان صفاتی در مقام ریاست جمهوری کم باشد، با اهمیت دادن باین صفات افراد، مخصوصاً " جوانان تشویق شوند که بدنبال کسب چنان صفاتی باشند. و برای انجام چنین منظوری اعتقاد دارم که اصل ۷۶ بشرح زیر اصلاح شود: اصل ۷۶- رئیس جمهور باید مسلمانی متقی و عادل و آشنا به اهداف عالی اسلام و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد و سن وی نیز نباید کمتر از ۳۰ سال تمام باشد (تشخیص صفات تقوی، عدل، بینش اسلامی، آگاهی و درایت کاندیدای ریاست جمهوری بارای دهندگان است).

۱۷- برای آنکه قانون اساسی آگاهی و توجه بدهد تا ارتش، شهربانی و ژاندارمری به راهی که در گذشته بر علیه ملت پیموده اند نروند و مشخص کنند

که این نیروها به چه وجودی تعلق دارند و فلسفه وجودی آنها چیست و نیز بمسئولیت ملت هم در خصوص پاسداری از استقلال، امنیت و تمامیت ارضی کشور تاء کید بشود، معتقدم اصل ۱۲۰ بشرح زیر تکمیل شود: اصل ۱۲۰ پاسداری از استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور با ملت است و ارتش جمهوری اسلامی ایران که مانند شهرداری و ژاندارمری بازوی مسلح ملت است از جانب ملت پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بعهده دارد و افراد شهرداری و ژاندارمری نیز حافظ نظم و امنیت کشور و ضابطه دادرسی می باشند.

۱۸- با وجود شورای عدالت اداری موضوع اصل ۱۴۰ معتقدم که دیگر نیازی به شورای دولتی منعکس در اصل ۱۳۶ پیش نویس نمیباشد بهتر است این دو اصل با توجه به مفاد یکدیگر بشرح زیر اصلاح شوند: اصل ۱۳۶ قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویبنامه ها و آئین نامه ها و نظامنامه های دولتی که مخالف با قوانین است و یا قوه مجریه خارج از حدود وظایف خویش آنها را به تصویب رسانده است خود داری کنند و هر زینفی حق دارد ابطال اینگونه مقررات را از شورای عدالت اداری بخواهد. — فصل نهم شورای عدالت اداری — اصل ۱۴۰ — بمنظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا تصویبنامه ها و یا آئین نامه ها و نظامنامه های دولتی، و احقاق حقوق آنها، شورائی بنام شورای عدالت اداری تاسیس میگردد. نحوه تشکیل و حدود اختیارات و نحوه عمل این شورا بر عایت استقلال قوه قضائیه بموجب قانون تعیین میشود.

۱۱۰۷۸۴

در پایان از این سخن حق مدد میگیرم که میگوید (مژده ده آن بندگان را که به سخن ها گوش فرا میدهند و از بهترین آنها پیروی می کنند) و آرزو میکنم نمایندگان محترم مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ، بخوبی از عهده - وظیفه بسیار سنگین و مهم خویش برآیند و درایت و شایستگی خویش را با تصویب قانون اساسی مترقی و بی نقصی که در خور انقلاب توحید سدی و جمهوری اسلامی باشد ، به اثبات برسانند .

بامید پیروزی کامل حق بر باطل

با تقدیم احترامات شایسته :

قاضی دادگستری: محمود جاویدان جمالی

۵۸/۵/۲۲